بسم الله الرحمن الرحیم

تربیت دینی

تربیت دینی، به معنای تلاش برای تغییر در نحوه تفکر و عقیده فرد به سمت تعالی و صحیح است؛ یعنی به‌منظور ایجاد نوعی خاص از عمل و رفتار که متکی به ضوابط مذهب باشد، انجام می‌گیرد. در سایهٔ این دگرگونی‌ها، اخلاق، آداب، رفتار و روابط فردی و اجتماعی شخص صورت مذهبی و دینی به خود می‌گیرد. از آنجایی که تربیت دینی و مذهبی انسان از دوران کودکی و حتی پیش از تولد آغاز می‌شود. توجه به جنبه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی فرد امری مهم و ضروری است. این مقاله با مطالعه اسنادی و تحلیلی به معرفی تربیت دینی و اصول آن پرداخته است. از آنجایی که هدف همه پیشوایان دینی(ع) تربیت انسان بوده به رفتار و گفتار آنان نیز در زمینه تربیت فرزندان نیز پرداخته شده است. معصومان(ع) در جایگاه رهبری دینی جامعه توجه ویژه‌ای به کودکان داشته و بر تربیت دینی آنان توصیه فرموده است؛ علاوه‌بر آن، از آنان درباره چگونگی تربیت دینی آموزه‌های فراوانی گزارش شده است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها:دین، تربیت، تربیت دینی، اصول تربیتی، تربیت کودک.

مقدمه

امر تربیت و پژوهش درباره آن انسان را بدان وامی دارد که در تاریخچه آن نیز به‌خوبی به تعمق و تأمل بنشیند. همه قراین حاکی از آن است که پیامبر اعظم(ص) به امر آموزش به‌صورت عام و آموزش و تربیت دینی به‌صورت ویژه، اهمیت زیادی می‌داد. اما آنچه در آموزش و تربیت دینی با توجه به ویژگی خاص آموزه‌های دینی و مسائل تربیتی اهمیت دارد، استفاده از روش‌هایی است که بتوان به اهداف تعیین شده نائل آمد. امروزه بسیاری از معلمین و استادان امور دینی و تربیتی نسبت به آموزش و تربیت مخاطبان، توفیق چندانی ندارند. آنچه در مرحلة اول بر اساس یک تجربه عام از علت این ناکامی می‌توان سخن به میان آورد، استفاده نکردن از روش‌های متنوع آموزشی و تربیتی در بعد دینی است. آنچه امروزه بیشتر در امر آموزش و تربیت دینی استفاده می‌شود، روش خطابه و یک‌طرفه است؛ گویی یک نفر می‌خواهد به دیگران بگوید: چه چیزی خوب است و چه چیزی بد و تو باید به خوب عمل کنی و از بد اجتناب نمایی، درحالی‌که برای رسیدن به اهداف الهی، شیوه‌های آموزشی و تربیتی متنوعی متصور است. آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده، بررسی شیوه‌های آموزش و تربیت دینی در سیره عملی بزرگان دینی است. در این مقاله بیان شده که چگونه دین از شیوه‌های بسیار جذاب و موفق برای آموزش تربیت دینی استفاده می‌کند.

مفهوم تربیت و تربیت دینی

تربیت از ریشه «ربو» به معنای زیادت گرفته شده است (ابن منظور، 126، 1416)؛ در بحث تربیت انسان، مفهوم واژة تربیت، بر پرورش استعدادهای انسان، یعنی فراهم ساختن زمینة رشد استعدادهای آدمی دلالت می‌کند (ابوطالبی، 17، 1388) و با توجه به فطری بودن دین، تربیت دینی در اسلام به معنای فراهم کردن زمینه‌های شکوفایی فطرت توحیدی انسان و تجلی آن در اعمال عبادی وی است (همان، 23)؛ تربیت

کودک در اسلام وظیفه‌ای است که خداوند آن را به والدین واگذار کرده است. این مسئولیت تنها در تأمین خوراک و پوشاک خلاصه نمی‌شود؛ بلکه شامل تربیت و آموزش اخلاق و مسئولیت‌پذیری به فرزندان نیز است.

اصول تربیت دینی فرزندان

محبت

اخلاق پیامبر(ص)، فاطمه زهرا(س) و ائمه اطهار(ع)، اخلاق قرآنی و مظهر ملایمت، رحمت و الگوی شفقت و مهرورزی بود و دامنهٔ محبت ایشان، بزرگ و کوچک را فرا می‌گرفت. کودکان در نزد ایشان جایگاه خاصی داشتند و آن در موقعیت‌های مختلف از جمله در خانه، کوچه، مسجد، بازار، میدان جنگ و... با کودکان مهربانی می‌کردند و اطرافیان را نیز به این امر تشویق می‌فرمودند. از پیامبر اکرم(ص) روایتی در بیان اهمیت محبت به فرزندان با این عبارت نقل شده است: از ما نیست کسی که بزرگ ما را احترام نکند و به کوچک ما رحم نورزد (داودی، 37، 1386).

همچنین امام صادق(ع) به فرزند خویش بسیار محبت می‌کرد. از امام(ع) سؤال شد که چقدر او را دوست می‌دارید؟ فرمودند: به‌اندازه‌ای که دوست ندارم فرزند دیگری داشته باشم تا محبتم بین آنها تقسیم کنم (ابن منظور، 85، 1314)؛ امام کاظم(ع) نیز به فرزندان خود محبت شدید داشت. مفضل می‌گوید: وارد شدم در حالی که فرزندش علی را بر دامان خود نهاده بود، او را می‌بوسید و او را بر شانه خویش می‌گذاشت و در بغل می‌فشرد و می‌فرمود: پدرت به فدایت! چه بوی خوشی و طبع پاکی داری و فضائلت برجسته است (همان، 98)؛ از مجموعهٔ سیره‌های تربیتی یاد شده به‌وضوح، اصل محبت و مهر ورزدن به فرزندان استنباط می‌شود. یکی از مصادیق دیگر توجهو محبت به فرزندان در

سیره عملی معصومان(ع)، بازی و شوخی با کودکان است. از دیرباز روان‌شناسان کودک، به اهمیت بازی و پیامدهای مثبت آن توجه کرده و بدان پرداخته‌اند.
روایتی از پیامبر اکرم(ص) در تأیید بازی و تأثیر آن بر دوران بزرگ‌سالی چنین نقل شده است: تندی و میل بسیار به بازی در کودکی نشانهٔ متانت و پختگی و زیادی عقل کودک در بزرگی است (دلشاد، 96، 1375)؛ شاید بتوان این سخن رسول خدا(ص) را از دیدگاه روان‌شناسی، به‌گونه‌ای با این نظریه منطبق دانست که بازی و شیطنت در دوران کودکی موجب تخلیهٔ انرژی‌های زائد جسمی و روحی می‌شود و در رسیدن کودک به آرامش و حلم در بزرگ‌سالی تأثیرگذار است (حسینی زاده،54،1382).

تکریم
اکرام به معنای آن است که کسی را بزرگ و شریف‌شماری و گرامی‌اش بداری و به او نفعی خالص برسانی؛ درباره تکریم فرزند نیز توصیه‌هایی در روایات به چشم می‌خورد. اکرام آدمی از نگاه پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) از دوران کودکی آغاز می‌شود و شعاع آن از بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین مصادیق تا کوچک‌ترین مصادیق موارد را شامل می‌شود. دستورات و تعالیم رسول خدا(ص) و اهل‌بیت(ع) مبنی بر نام نیک نهادن بر نوزاد، عقیقه و دیگر آداب تولد، سلام کردن به کودک و ...، از جمله موارد تکریم کودکان است. یکی از راه‌های رسیدن به کرامت آن است که انسان، کرامت را در اطرافیان خود ببیند و لمس کند. برای اینکه انسان کریم شود و شریف النفس بار آید، باید کرامت ببیند و مورد تکریم و احترام قرار گیرد. و این امر از دوران کودکی اهمیت دارد (سیف، 98، 1382)؛ پیامبر خدا(ص) در سخنانی فرموده است: «همان‌گونه که فرزند نباید نسبت به والدین خود بی‌احترامی کند، والدین نیز نباید نسبت به او بی‌احترامی کنند. همچنین امام صادق(ص) می‌فرماید: فرزندان خود را تکریم کنید و گرامی دارید و آنان را نیکو تربیت کنید تا

اینکه خداوند شما را ببخشد (طبرسی، 78، 1392)؛ بی‌شک، گرامی داشتن و اکرام کودک در ایجاد دل‌بستگی بین او و اطرافیان تأثیرگذار است و زمینه پذیرش آموزه‌های اخلاقی و تربیت دینی را فراهم می‌سازد. با توجه به دیدگاه‌های روان‌شناسی درباره اهمیت محبت و تکریم کودکان، روشن می‌شود که پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) در مقام مربی برتر انسان‌ها که در سایه اتصال با منبع وحی، از فطرت و سرشت انسان‌ها آگاه است، چرا تا این حد بر محبت و توجه به کودک تأکید ورزیده است. پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) به تمام کودکان به عام و فرزندان خود به‌طور خاص محبت و توجه می‌کردند و به تکریم و احترام آنان می‌پرداخت تا به رشد روانی و عاطفی کامل برسند و زمینهٔ تعلیم و تربیت دینی آنان نیز فراهم آید. اگر تربیت دینی کودکان همراه با محبت و ایجاد دلبستگی با کودک باشد او را نسبت به توصیه‌های دینی والدین تسلیم‌پذیرتر می‌کند و الگوپذیری از آنان را نیز بیشتر می‌نماید؛ علاوه‌بر آن کودکی که از نظر روانی و عاطفی سالم و رشد یافته باشد، نسبت به دستورات دینی که مطابق با فطرت آدمی است، انعطاف‌پذیرتر می‌شود.

عدالت

از موارد مهمی که در محبت به کودک، حتی در پایین‌ترین مظاهر آن، باید مورد توجه قرار گیرد، رعایت برابری و تساوی در برخورد با کودکان هم‌جنس و غیرهم جنس است. از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که فرمود: خداوند متعال دوست دارد که میان فرزندان خود، حتی در بوسیدن آنان یکسان عمل کنید. نیز در مقامی دیگر، آن حضرت فرمود: از خدای بترسید و میان فرزندانتان به عدالت رفتار کنید، همچنان که شما نیز دوست دارید آنان به شما نیکی و احسان کنند (متقی،123، 1409)؛ امر به تقوای الهی در آغاز سخن، در کنار فرمان به عدالت، نشان از اهمیت فراوان رفتار به کودکان دارد. در این روایت یک اصل مهم

اخلاقی و تربیتی معرفی شده است که تنها افراد متقی و خداترس آن را اجرا می‌کنند؛ علاوه بر آن، در جملهٔ پایانی روایت به روابط عاطفی متقابل پدر و مادر و فرزندان اشاره شده است و از آن چنین برداشت می‌شود که رفتار والدین با کودک، در برخوردهای بعدی او با والدین تأثیرگذار است؛ یعنی رعایت عدالت بین کودکان، موجب رضایت قلبی کودکان و مهرورزی و احسان آنان به پدر و مادر می‌شود.

اعتدال و پرهیز از افراط و اجبار

انگیزه و گرایش درونی انسان در تربیت دینی از اهمیت فراوانی برخوردار است. مطالعهٔ احادیث و سیره عملی پیامبر اکرم(ص) و دیگر پیشوایان دینی نشان می‌دهد که تمام تلاش این بزرگواران در درونی کردن ارزش‌ها و مفاهیم دینی بوده است؛ باید با کودکان به‌گونه‌ای رفتار شود که با افزایش خودآگاهی، از درون گرایش به ارزش‌های دینی پیدا کنند و با جان‌ودل آموزه‌های دینی و اخلاقی را بپذیرند؛ از این‌رو، تربیت دینی امری پیوسته امری پیوسته و مداوم است که باید بدون هرگونه اکراه و اجبار و یا زیاده‌روی و سخت‌گیری بی‌مورد انجام پذیرد تا همیشگی و پایدار باشد.

قاطعیت و جدیت

تأکید و توصیه پیامبر اکرم(ص) و اهل‌بیت(ع) مبنی بر محبت به کودکان هرگز مانعی در راه تربیت صحیح آنان به شمار نمی‌رفت، بلکه آنان همان‌قدر که به فرزندان خود عشق می‌ورزیدند و به تکریم می‌پرداختند، به تربیت و پرورش آنان نیز اهمیت می‌دادند و در این راه قاطعیت و جدیت داشتند. مواردی همچون جدیت در آموزش نماز، دعا، خواندن ذکر و قرآن به فرزندان خود، حتی به کودکان زیر هفت سال و توجه به پرورش و تعلیم آنان، نمونه‌هایی از این مدعاست. و در ماجرایی، حساسیت پیامبر اکرم(ص) نسبت به تربیت دینی خانواده زهرا(س) و فرزندان او به چشم می‌خورد. نقل شده است: رسول

خدا(ص) روزی پس از بازگشت از سفر، به منزل زهرا(س) رفت و دید حسنین(ع) جلوی خانه ایستاده‌اند و دو دستبند نقره بر دست دارند. پیامبر علی‌رغم عشق و علاقه و دلبستگی زیاد به آن دو کودک و مادرشان زهرا(س) به درون خانه نرفت و از همان‌جا بازگشت. فاطمه زهرا(س) که ویژگی‌های شخصیتی پدر را بیش از همه می‌شناخت، چون این حالت را مشاهده کرد، دریافت که پدر به دلیل آن دو دستبند نقره ناراحت شده و به خانه نیامده است؛ از این‌رو آن دو دستبند را از حسنین(ع) گرفت و شکست، کودکان، گریه‌کنان نزد رسول خدا شتافتند و از رفتار مادر شکوه کردند، پیامبر(ص) دستبند نقره را از آنان گرفت و به ثوبان فرمود: برو و این را به بنی فلان بده، من دوست ندارم اهل‌بیت من در طول زندگی خود، ازاین‌گونه زیورهای اهل دنیا داشته باشند (ری شهری،145، 1363).

توجه به رشد دینی و اخلاقی کودک

در فرهنگ ناب اسلامی و در فرهنگ رضوی توجه ویژه‌ای به رشد دینی و اخلاقی کودکان شده است؛ برخی موارد نیز به‌طور ویژه مورد تأکید قرار گرفته است:

نماز خواندن

امام رضا (علیه‌السلام) درباره نماز خواندن کودکان می‌فرماید: پسران باید در سنین هفت‌سالگی به نماز وادار شوند (شیخ صدوق، 436، 1413). برای آموزش نماز و چگونگی استدلال به فرزندان مناسب است که بگوییم: عزیزم همان‌طور که کسی به ما هدیه می‌دهد، باید از او تشکر کنیم، از خدا هم به سبب نعمت‌هایش به‌وسیلهٔ نماز تشکر می‌کنیم، چگونه؟ برای تشکر از دیگران دنبال این هستیم که آنها چه هدیه و تحفه‌ای را دوست دارند؟ همان را تهیه و تقدیم می‌کنیم. در مورد تشکر از خدا هم باید ببینیم که او چه چیزی را دوست دارد و چه چیزی را

دوست ندارد؟ خداوند در قرآن به این سؤال ما چنین پاسخ داده است: نماز را برای یاد من بخوانید (طه،14) پس خدا نماز و قرآن خواندن ما را دوست دارد، چون باعث می‌شود ما از غفلت خارج شویم و خدا را یاد کنیم (سید میرزایی و دیگران، 61، 1385).

آموزش قرآن

قرآن کتاب الهی، نور هدایت، شفای سینه از دردهای اخلاقی و راهنما به‌سوی زندگی برتر است. مرد و زن در برابر این نعمت بی‌نظیر الهی مسئول و مکلف‌اند، تکلیف آنان یاد گرفتن قرآن و عمل به آیات آن در تمام شئون حیات است. بی‌تفاوتی نسبت به کتاب خدا، گناهی بس بزرگ و معصیتی بس عظیم است. امام رضا(علیه‌السلام) می‌فرماید: برای خانه‌های خود، نصیب و بهره‌ای از قرآن(به تلاوت آن) قرار دهید؛ زیرا هرگاه قرآن در خانه خوانده شود، (در رزق و روزی و سایر امور) بر اهل آن گشایش و آسایش قرار داده شود (و خیروبرکت و لذت زندگی در آن بسیار شود) و ساکنین آن در معرض ازدیاد و افزایش نعمت باشند و چون در خانه قرآن خوانده نشود، فشار و سختی (و گرفتاری در امور دیگر) بر اهل آن رو آورد و خیر و نیکی و برکت آن کاهش یابد و ساکنین آن در کمبود (نعمت و شادی و نشاط) باشند (آشتیانی، 109، 1363). با توجه به این روایات، مسئولیت سنگین سرپرست خانه روشن‌تر می‌شود. سرپرست خانه لازم است قرآن را فرا بگیرد، و زمینه فراگیری زن و فرزند را نیز فراهم کند، آنگاه همه با هم به کتاب خدا عمل کنند، تا عرصه گاه خانه از آلودگی‌ها پاک و به حسنات و نیکی‌ها آراسته شود، و در نتیجه خانه و خانواده، نمونه‌ای از بهشت آخرت شود. خانه‌ای که اهلش اهل قرآن‌اند، از برکت قرآن رشد عقلی و فکری پیدا می‌کنند که عقل هماهنگ با قرآن، عقل ملکوتی و سودش عبادتِ حق و تحصیل بهشت جاودانی است (سالاری‌فر، 343، 1385)؛ از این‌رو بسیار لازم و ضروری است که والدین به فرزندان خود قرآن را آموزش دهند و ایشان

را در فضایی معطر به عطر قرآن پرورش دهند.

کمک به نیازمندان

نوع‌دوستی و کمک به دیگران از عالی‌ترین تعالیم دین است؛ چراکه بنی‌آدم اعضای یکدیگرند و سعادت هر فرد در گروی سعادت جامعهٔ اوست. طعم شیرین نوع‌دوستی را از همان کودکی باید به ذائقهٔ کودک چشانید. امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: کودک را امر کن تا با دست خود صدقه بدهد اگرچه کم باشد، هر چیزی که برای رضای خداوند داده شود اگرچه کم هم باشد، در نزد خداوند بزرگ است (عطاردی، 676، 1397ق).

شیوه‌های مختلف آموزش فرزندان

آموزش به شیوه غیرمستقیم

گاه در مواردی آموزش غیرمستقیم اثر بیشتری در متعلم می‌گذارد، یعنی اگر به متعلم مستقیماً گفته شود که فلان امر خوب یا بد است یا آن کار باید انجام بشود یا نه، ممکن است او موضع‌گیری نماید و خیلی توجه نکند و این امر در مسائل اخلاقی و ارزشی و مذهبی بسیار مهم است که همیشه به‌صورت مستقیم آموزش داده نشود، گرچه تأثیر آموزش مستقیم در جای خود بسیار زیاد است، ولی در مواردی آموزش غیرمستقیم مؤثرتر است. حضرت رسول(ص) در مواردی به‌صورت غیرمستقیم، حقایق عالی الهی را تفهیم می‌کرد. ابو مسعود انصاری می‌گوید: غلامی داشتم که او را کتک می‌زدم؛ از پشت سرخود صدایی شنیدم که می‌فرمود: بدان ابا مسعود! خداوند تو را بر او توانایی داده است (او را بنده تو ساخته)، برگشتم، دیدم رسول خدا(ص) است. به رسول خدا(ص) گفتم: من او را در راه خدا آزاد کردم!! پیامبر(ص) فرمود: اگر این کار را انجام نمی‌دادی، آتش تو را فرا می‌گرفت (مجلسی، 72، 195) در این داستان، پیامبر اکرم(ص) به‌صورت مستقیم از ابتدا نفرمود که تو به این بنده ظلم می‌کنی و جایگاه تو آتش است، بلکه

مطلب را به‌صورت غیرمستقیم و کنایی به او فرمود و این آموزش چنان در ابومسعود اثر گذاشت که آن بنده را در راه خدا آزاد کرد. نوع بیان در آموزش‌های ارزشی و دستورالعمل‌های رفتاری بسیار مهم است؛ باید بیان به‌گونه‌ای باشد که در قلب مخاطب فرونشیند.

آموزش به شیوه تکرار

تکرار یکی از روش‌های آموزشی و پرورشی پیامبر اسلام(ص) بود که حضرت در شرایط مناسب از آن برای نشان دادن اهمیت موضوع و نهایتاً هضم آن در ذهن مخاطب استفاده می‌نمود. در زمان حضرت رسول(ص) مردی بود که شغل مناسبی نداشت و از بیکاری در تنگنا زندگی می‌کرد، روزی همسرش او را راضی کرد که برای گرفتن کمک نزد پیامبر(ص) برود، او نیز راهی خانه پیامبر(ص) شد وقتی در حضور پیامبر(ص) نشست لب به سخن نگشود پیامبر(ص) به وی گفت: هرکس از ما یاری بخواهد او را یاری می‌کنیم، ولی اگر بی‌نیازی بورزد خدا او را کمک می‌کند. مرد مأیوس برگشت روز بعد برای بار دوم به نزد پیامبر(ص) رفت باز پیامبر(ص) همان جمله را به وی گفت بار سوم وقتی مرد همان جمله را شنید تازه فهمید که پیامبر(ص) از او چه می‌خواهد و چه درسی به او داده است. بلافاصله یک تبر برداشت و به صحرا رفت و با هیزم‌هایی که به دست آورده بود، درآمد خوبی پیدا کرد، آنگاه خدمت پیامبر(ص) آمد و گزارش داد که چگونه برای سؤال آمد و چه از پیامبر(ص) شنید: پیامبر(ص) فرمود: من که به تو گفتم: هر که از ما سؤال کند به او عطا کنیم و هرکه بی‌نیازی جوید خدایش بی‌نیاز کند (کلینی، 2، 395)؛ در این داستان، اگر پیامبر(ص) به بار اول اکتفا می‌کرد، مرد متوجه نمی‌شد، اما با تکرار مطلب، شخص متوجه پیام تربیتی و آموزشی حضرت(ص) شد؛ در تربیت فرزندان هم می‌توان از این شیوه کمک گرفت.

آموزش به شیوه عکس‌العمل مناسب

گاه حضرت رسول(ص) مطلب خود را با یک عکس‌العمل و رفتار مناسب به مخاطب می‌فهماند، یعنی به‌جای سخن گفتن، با یک موضع‌گیری مشخص و مناسب پیام خود را می‌رساند که این شیوه آموزشی و تربیتی در جایگاه مناسب خود بسیار مؤثر است. حضرت روزی وارد خانهٔ حضرت فاطمه (علیها السلام) شد و دید فاطمه(ع) دستبندی از نقره، به دست دارد و یک پرده الوان نیز آویخته است. پیغمبر با آن علاقهٔ مفرطی که به حضرت زهرا(س) داشت، بدون آنکه حرفی بزند برگشت. حضرت زهرا(س) احساس کرد که پدرش این مقدار را هم برای ایشان نمی‌پسندد، چون دورهٔ اهل صفه است. فوراً آن دستبند نقره را از دستش بیرون آورد و پردهٔ الوان را هم پایین کشید و به همراه کسی خدمت رسول اکرم(ص) فرستاد. آن شخص آمد عرض کرد: یا رسول‌الله! اینها را دخترتان فرستاده و عرض می‌کند: به هر مصرفی که صلاح می‌دانید برسانید، آن‌وقت چهرهٔ پیامبر شکوفا شد و فرمود پدرش به قربانش باد (مطهری، 58، 1385) گاهی با یک عکس‌العمل مناسب می‌توان به فرزندان آموخت چه راهی درست و چه‌کاری اشتباه است.

آموزش به شیوه پرسش و پاسخ

پیامبر اکرم(ص) در روند آموزش و تعلیم خود موارد زیادی سؤال می‌کرد تا جواب سؤال یا به‌واسطه خود فراگیران به دست آید یا به جواب سؤال نزدیک شود یا حداقل زمینه بهتر، جهت پاسخ صحیح توسط خود پیامبر(ص) فراهم آید. در این روش پیامبر(ص) ضمن بیرون کشیدن اطلاعات مخاطبین و ارزیابی وسعت دایرهٔ اطلاعات آنها متناسب با آن، جواب می‌داد. نکته جالب آن است که پرسش‌های پیامبر(ص) کاملاً به‌صورت دقیق و متناسب با موقعیت و در فاصله‌های زمانی مشخصی بود تا مخاطب خود شخصاً درگیر موضوع شود و فرصت تفکر را بیابد. البته گاهی پیامبر(ص) ابتدا خود پرسش می‌کرد و

گاه زمینه را طوری فراهم می‌نمود که مخاطب در ذهنش سؤال ایجاد شود و با توجه به اینکه آن سؤال محصول ذهن مخاطب بود، جواب پیامبر(ص) چنان برای او قابل‌تفهیم بود که بهتر از آن امکان نداشت.

در روایتی پیامبر(ص) که به اصحاب خود فرمود: برادر خود را یاری کنید، چه مظلوم باشد چه ظالم، بلافاصله یکی از صحابه سؤال کرد: یا رسول‌الله، اگر او مظلوم باشد، یاری‌اش می‌کنم، اما بفرمایید چگونه می‌توانم یک ظالم را یاری دهم؟ پیامبر(ص) جواب داد : در آن صورت او را از بی‌عدالتی بازدار! چراکه کمک واقعی، بازداشتن او از ظلم است (بخاری، 543، 1402ق)؛ این روایت به‌خوبی روشن می‌نماید که یک جمله دقیق چگونه ذهن مخاطب را تحریک می‌کند و چه سؤال زیبایی برای او مطرح می‌شود و چه زیباتر حضرتش(ص) پاسخ می‌دهد. این شیوه علاوه‌بر آنکه موجب نشاط مخاطب می‌شود، او را درگیر مطلب می‌نماید و باعث می‌شد که مطلب در ذهن و قلب مخاطب بهتر فرونشیند.

آموزش به شیوه تمثیل
در امر آموزش، استفاده از مثال‌های زیبا، در فرایند یادگیری و تنوع و نشاط آن سهم زیادی دارد. پیامبر اسلام (ص) همانند قرآن مجید از مثال‌های زیادی در مناسبت‌های گوناگون برای رساندن پیام الهی و یاددادن حقایق معنوی استفاده نموده است؛ استفاده از تمثیل موجب می‌شود که مخاطب مطلب را ساده‌تر بیاموزد. پیامبر اسلام(ص) برای آنکه بفهماند که دین اسلام، دین منطقی و معتدلی است و نباید انسان‌ها با فشار آوردن و سختگیری بیش‌ازحد، فکر کنند که زودتر به مقصد می‌رسند، بلکه این امر چه‌بسا موجب شود که اصلاً به مقصد نرسند؛ خطاب به جابر فرمودند: ای جابر! دین اسلام دین با متانتی است. با خودت با مدارا رفتار کن. ای جابر! انسان‌هایی که خیال می‌کنند با فشار

آوردن و سختگیری بر خود زودتر به مقصد می‌رسند، اشتباه می‌کنند آنها اصلاً به مقصد نمی‌رسند. مثل آنها، مثل آدمی است که مرکبی به او داده‌اند که از شهری به شهر دیگر برود. او خیال می‌کند که هر چه بیشتر بر مرکب فشار بیاورد، زودتر می‌رسد. منزل اول، دوم و سوم را ممکن است در ظرف یک روز برود. اما ناگاه متوجه می‌شود که حیوان بیچاره را زخمی کرده و حیوان هم از راه مانده است؛ در اینجا به مقصد که نرسیده است هیچ، مرکب خویش را هم ناقص کرده است. در حدیث گویا و بیدارکننده‌ای از امام صادق(ع) می‌خوانیم که رسول خدا وارد زمین بی‌آب‌وعلفی شد و به یارانش فرمودند که هیزم بیاورید، عرض کردند ای رسول خدا(ص) اینجا سرزمین خشکی است که هیچ هیزم در آن نیست فرمود: بروید هرکدام هر مقدار می‌توانید جمع کنید، هریک از آنها مختصر هیزم یا چوب خشکیده‌ای با خود آورد همه را پیش روی پیغمبر(ص) روی‌هم ریختند، سپس پیامبر(ص) فرمود: این‌گونه گناهان کوچک روی هم متراکم می‌شوند (و شما به تک‌تک آنها اهمیتی قائل نیستید) سپس فرمود: بترسید از گناهان کوچک که هر چیزی طالبی دارد و طالب آنها آنچه را از پیش فرستادند و آنچه را از آثار باقی گذاشته‌اند می‌نویسد و همه‌چیز را در کتاب مبین ثبت کرده است (مطهری، 154، 1385).

آموزش به شیوه رفتاری نه‌تنها رهنمود گفتاری

حضرت رسول(ص) در آموزش و تربیت دینی به گفتار تنها بسنده نمی‌کرد، بلکه او قبل از هر سخن تربیتی خود اسوه عملی آن بود. آنچه به آموزش‌های دینی ویژگی خاص می‌دهد، اهمیت عمل و رفتار است که شخص معلم باید بدان پایبند باشد تا در هدف خود موفق شود. از نمونه‌های سیره عملی حضرت رسول(ص) در راستای شرکت در ساخت اولین مسجد امت اسلام است که دوش‌به‌دوش اصحاب حضرت (ص) کار می‌کرد و وقتی اصحاب گفتند اجازه دهید ما خودمان کار کنیم و

شما استراحت نمایید، پیامبر نپذیرفت. این رفتار، مهم‌ترین اثر آموزشی و تربیتی را به همراه داشت که تمام افراد باید در امور جمعی سهیم باشند و هریک در اهداف جمعی تعیین‌شده سهمی مثبت داشته باشند.

جمع‌بندی

انسان برای رسیدن به موفقیت به دو مقولهٔ آگاهی و الگو نیازمند است، درنتیجه باید برای کسب هر یک از این دو تلاش نماید. دین مقدس اسلام برترین الگوهای زندگی موفقِ فردی و اجتماعی را به ما می‌شناساند. تربیت مناسب نسل آینده و آموختن مهارت‌های لازمِ تربیت فرزند، از جمله مسائلی است که دین مبین اسلام و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به آن توجهی ویژه دارند. مقید شدن تربیت به آموزه‌های دینی و مذهبی، رمز دست‌یابی به آرامش، سعادت و کمال مطلوب در هر دو سراست. اگر به فرایند تربیت که امری پیوسته و همیشگی است، از دوران کودکی و حتی پیش از آن توجه شود، نتایج فردی و اجتماعی فراوانی به دست می‌آید. البته تأکید آموزه‌های دینی و روان‌شناسی بر دوران کودکی، به این معنا نیست که جریان رشد و تربیت انسان، تنها محدود به این دوره است، بلکه پرورش و تربیت انسان در سراسر عمر او تداوم دارد و امکان تحول و سازندگی نیز همواره وجود دارد. در میان رشد انسان، دوران جنینی، شیرخوارگی و هفت سال اول بیش از دیگر مراحل مورد توجه روان‌شناسی و پیشوایان دینی قرار گرفته است؛ از این‌رو، آگاهی والدین و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت از مراحل رشد، ویژگی‌ها، انتظارات و نیازهای کودک در هر دوره، در دست‌یابی به اهداف تربیتی تأثیرگذار است. همچنین اصول تربیت دینی که مورد توجه رسول خدا(ص) و اهل‌بیت(ع) بوده است، باید در امر تربیت دینی در نظر گرفته شود. نمادها و مظاهر محبت و اکرام از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین مصادیق آن، در سیرهٔ عملی رسول خدا(ص) و اهل‌بیت(ع) جایگاه ویژه‌ای دارد. همچنین از مجموع اقوال و افعال پیامبر(ص) و

اهل‌بیت(ع) درباره کودکان، می‌توان به نقش مهم و بی‌بدیل پدر در تربیت دینی فرزندان نیز پی برد. محبت‌ها و مهروزی‌های پیامبر(ص) نسبت به فرزندان و نوادگان خود و حساسیت و وقت‌گذاری برای تعلیم و تربیت آنان، نشان می‌دهد تأثیر حضور کمی و به‌ویژه کیفی پدر در خانه و تلاش او در تربیت و پرورش کودک اصل مهمی در قوام خانواده، حمایت از مادر و رشد و بالندگی فرزندان به شمار می‌رود؛ اصلی که امروزه متأسفانه به دلیل مشکلات فرهنگی و اقتصادی مغفول واقع شده است.

سؤالات

۱_ انسان برای رسیدن به موفقیت به دو مقوله .....و ... نیازمند است؟
۲_ ....و....از عالی ترین تعالیم دین است؟
۳_ امر به ..... در آغاز سخن در کنار .....نشان از اهمیت فراوان رفتار به کودکان دارد.
۴_ یکی از مصادیق دیگر توجه و محبت به فرزندان در سیره عملی معصومان.....با کودکان است.
۵_ حدیث شریفه پسران باید در سنین هفت‌سالگی به نماز وادار شوند از کدام یک از معصومین می باشد؟؟
۶_تربیت دینی به چه معنایی می باشد؟؟
۷_ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در باره تکریم فرزندان چه بیانی دارند؟
۸_ شیوه تربیت دینی به روش اعتدال و پرهیز از افراط و اجبار را به صورت خلاصه بیان کنید؟؟
۹_ حدیث امام رضا علیه‌السلام در مورد تلاوت قرآن را بیان کنید؟
۱۰_ شیوه های مختلف آموزش فرزندان را بیان کنید؟
۱۱_آموزش به شیوه رفتاری نه تنها رهنورد گفتاری را توضیح دهید؟

شرکت کنندگان محترم می توانند جواب سوالات را تا تاریخ ۲ آذر به عقیدتی سیاسی سازمان تحویل دهند .